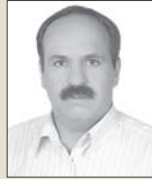


نجات اقتصاد ایران از نفت



دکتر منصور قربانی
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

پرونده این ماه، طرح تحول اقتصادی نگاه کارشناس

۱۰۰ سال و ۴ ماه پیش و در ساعت ۴/۵ بامداد ۵ خرداد ۱۲۸۷ خورشیدی (۲۶ می ۱۹۰۸) چاه شماره ۱ در منطقه نفتون مسجد سلیمان در ژرفای ۳۵۶ متری به نفت رسید. نفت تا ارتفاع ۲۰۰ متری بالا آمد و از آن ساعت صنعت نفت در ایران و خاورمیانه متولد شد (شوربختانه به دست بیگانه‌ها).

هرچند در آن زمان اکتشاف، استخراج، فروش و مصرف نفت در دست بیگانه بود، اما کم کم درآمد حاصل از نفت بر اقتصاد کشور سایه انداخت. هر قدر تولید و قیمت نفت افزایش می‌یافت، این سایه پررنگ‌تر و غالب‌تر می‌شد، به طوری که هم‌اکنون بیش از ۳۵ درصد از درآمد ناخالص ملی و فزون بر ۸۵ درصد درآمد ارزی کشور از فروش نفت حاصل می‌شود. جان کلام آن که اقتصاد نفتی و تک محصولی آنچنان بر اقتصاد مملکت سلطه انداخته که گویا گذر از آن ناممکن است.

کندوکاوهایی مواد معدنی و استخراج آنها و استحصال فلزات به دست ایرانیان حداقل، تاریخی ۶ هزار ساله دارد و در گذر زمان نه تنها شناخت مواد معدنی و فنون به کارگیری آنها فزونی گرفته، بلکه تنوع مواد معدنی و موارد استفاده نیز روندی صعودی داشته است. با توجه به تاریخ کهن معدن کاری و گستردگی و تنوع ساختاری مواد معدنی در کشور و جایگاه ایران در میان دارندگان ذخایر معدنی در سطح جهان، طبیعتاً انتظار می‌رود که بخش معدن، نقش عمده و کلیدی در اقتصاد کشور داشته باشد. ولی تاکنون چنین نبوده و شاید مهمترین دلیل آن، سلطه نفت بر اقتصاد کلان کشور باشد.

توسعه اقتصادی موجب افزایش قدرت ملی می‌شود و قدرت ملی، امنیت ملی را فزونی می‌بخشد. یکی از راهکارهای پسندیده برای نیل به توسعه اقتصادی ایجاد انعطاف و تنوع در اقتصاد کشور است. هنگامی که یک کشور بتواند تولیدات متعدد در صنایع داخلی و تجارت خارجی خود داشته باشد، هنگامی که بتواند در سازمانهای اقتصادی منطقه‌ای و جهانی حضور داشته باشد، آنگاه می‌تواند در صحنه جهانی اثرگذار باشد و گامهای اساسی برای حفظ امنیت ملی خود بردارد.

با نگاهی دیگر به منابع اقتصادی کشور به نظر می‌رسد گذر از سلطه نفت بر اقتصاد کشور و رونق بخشیدن به اقتصاد غیرنفتی، نه تنها مشکل حلی نشدنی‌ای نیست، شاید برای کشوری چون ایران ساده هم باشد. آنچه بیش از هر چیزی مهم می‌نماید، تدبیر و شناخت دیگر منابع اثرگذار در اقتصاد و به فعل درآوردن آنها از جمله مواد معدنی است.

فکر کنیم به روزی که:

- درآمد حاصل از مس و صنعت مس حداقل برابر ۲ هفته درآمد حاصل از نفت؛
- درآمد حاصل از سنگ آهن و صنایع بالادستی برابر با ۲۰ روز درآمد حاصل از نفت؛
- درآمد حاصل از خاکهای صنعتی، صنایع کاشی و سرامیک برابر یک هفته درآمد حاصل از نفت؛
- درآمد حاصل از صادرات سیمان حدود یک هفته درآمد حاصل از نفت؛
- درآمد حاصل از سنگهای ساختمانی برابر ۱۰ روز درآمد حاصل از نفت؛
- درآمد حاصل از صادرات طلا برابر ۴ روز درآمد حاصل از نفت؛
- درآمد حاصل از صادرات شن، ماسه و گچ برابر ۳ روز درآمد حاصل از نفت باشد و....

چند روز شد؟

اختصاص دادن فقط همین روزها به معادن کافی است. حتی می‌توان از منابع جایگزین دیگری نیز سخنی به میان آورد؛ مثلاً کشاورزی، گردشگری، صنایع دستی، نیروی کار ماهر و خدمات مهندسی و بسیاری از این موارد.

اگر با این دید به معدن و صنایع بالادستی و پایین دستی نگریسته و در این زمینه برنامه‌ریزی شود، آیا نمی‌شود اقتصاد ملت ایران را از نفت نجات داد؟ ■

به یک دراکولا تبدیل می‌سازد، تا جایی که حتی افراد نیز در چنین جوامعی به خون‌آشامی بدل می‌شوند که به پرداختهای دولتی وابسته‌اند. به دیگر بیان، دولت رانتیر، مانند دراکولا به بازتولید نمونه‌های خویش می‌پردازد و دیوان‌سالاری و حتی مردم‌مکنده را ایجاد می‌کند. (Yates, ۱۹۹۶, ۳۵)

نتیجه‌گیری

با نگاهی به آنچه در سطرهای پیشین گفته آمد، می‌توان بدین نتیجه دست یافت که اولاً بین ساختار و رویکردها و خط‌مشی‌های یک دولت و وضعیت توسعه‌ای آن ارتباطی وثیق وجود دارد و ثانیاً، هرگونه تلاش در جهت توسعه اقتصادی در دولتهای رانتی، نیازمند تغییر ساختار و خط‌مشی‌های آن، به‌ویژه در حوزه دیوان‌سالاری - که مغز دولت به‌شمار می‌رود - است. براین اساس شکل‌گیری دیوان‌سالاری عقلانی، قانونمند، مستقل، در پیوند با گروه‌های اجتماعی و در یک کلام حرفه‌ای، اساسی‌ترین پیش‌نیاز اجرای موفق هرگونه طرح تحول اقتصادی است. چه، در غیر این صورت از آن روی که طرحهای توسعه‌ای از درون یک دیوان‌سالاری مستقل برخواستار است، با تغییر حمایت‌های سیاسی، طرحها نیز ناکام خواهند ماند.

منابع

- 1-Tawfic E. Farah, Political Culture and Development in a Rentier State: The Case of Kuwait, Journal of Asian and African Studies, Vol. 24, No. 1-2, 106-113 (1989).
- 2-Evans, P., 1989, "Predatory Developmental and other Apparatuses: A Comparative analysis of the Third World States", Sociological Forum, 4, (4), 561 - 582
- 3-Louk de La Rive Box , Bamidele Olowu, 2006, Governance and Bureaucracy: Leadership in Nigeria's Public Service, Universitaire Press Maastricht.
- 4-Yates, Douglas, A. 1996, The Rentier State in Africa: Oil Rent Dependency and Neocolonialism in The Republic of Gabon, Trenton N.J: Africa World Press.
- 5-Hazem Beblawi and Giacomo Luciani, 1987, Nation, State and Integration in the Arab World, London, Croom Helm.
- 6-Libman, Alexander, 2008, Democracy, Size of Bureaucracy, and Economic Growth: Evidence form Russian Regions, University of Mannheim.
- 7-Okten, Cagla, 2001, Does the Size of Bureaucracy Matter?, Louisiana University.
- 8-Pyakuryal, Sucheta, 2007, "Retainer" Bureaucracy: An Impediment to the 9-Process of Democratic Governance in Nepal, University of Akron.
- ۱۰-لوانز، پیترو؛ توسعه یا چپاول؛ ترجمه عباس زندیاف و عباس مخبر؛ چ دوم؛ تهران: طرح نو، ۱۳۸۲.
- ۱۱-لغت‌ویج، آدریان؛ دیکراسی و توسعه؛ ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز؛ چ سوم؛ تهران: طرح نو، ۱۳۸۳.
- ۱۲-مجموعه نویسندگان؛ نقش دولت در جهان در حال تحول. ■

در یک دیوان‌سالاری غارتی، دیوان‌سالاری نظامی است که در آن رفتار قانونمند در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد، چرا که شخص‌گرایی و چپاولگری در مراتب بالاتر دیوان‌سالاری بی‌داد می‌کند. (ibid & ۸۰) درآمدهای رانتی می‌تواند موجب تشدید چنین وضعی شود. در این حالت افراد و دیوان‌سالاران، افسارگسیخته (free rein) می‌شوند و هیچ مانعی در برابر آنان نیست. در این حالت بر اساس تئوری جیره‌خواری (prebendalism)، دیوان‌سالاران رده پایین، به جیره‌خواری بدل می‌شوند که از مقامات مافوق خود، در عوض تأمین منافع شخصی آنها جیره دریافت می‌کنند. این جیره‌ها از پادشاهی غیرقانونی گرفته تا سمت‌ها و مقامها و... گسترده می‌شود. در بیشتر کشورهای رانتی، سیاستگذاری عمومی متأثر از همین جیره‌خواری یا پدرسالاری (که همه منابع کشور را ارث پدری (patrimony) خود تلقی می‌کند) است (ibid & ۱۸۹, ۸۰) در حالی که پدرسالاری اساساً به شکل‌گیری یک دیوان‌سالاری و نظام خدمات عمومی کارآمد ضربه می‌زند، درآمدهای رانتی، به‌ویژه نفتی نیز چنین وضعیتی را تشدید می‌کند.

درآمدهای رانتی همچنین با افزودن بر حجم دیوان‌سالاری مانع کارآمدی آن می‌شود. مطالعات بسیار نشان داده‌اند که بزرگ‌تر شدن دیوان‌سالاری، با کاهش دستاوردهای اقتصادی همراه است. (ن.ک. Democracy, size of Bureaucracy and Economic Growth: Evidence from Russian Regions, Alexander Libman, ۲۰۰۸) الکساندر لیمن با مطالعه روسیه و اندازه دیوان‌سالاری در آن و تأثیر آن در دستاوردهای اقتصادی این کشور، نشان می‌دهد که اندازه بوروکراسی علاوه بر افزودن بر هزینه‌های عمومی دولت، موجب ناکارآمدی آن نیز می‌شود. «کاکلا اکتن» نیز در پژوهش خویش نشان می‌دهد که افزایش شمار وزارتخانه‌های دولتی و بوروکراتها، مانع سرمایه‌گذاریهای اقتصادی می‌شود و بدین ترتیب، رشد اقتصادی را پایین نگاه می‌دارد. این مقامات اغلب از رانت مالی و اطلاعاتی بیشتر بهره می‌گیرند (Okten, Cagla, ۲۰۰۱, ۳۱) و بدین ترتیب اساساً انگیزه سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی در بخش خصوصی از میان می‌رود.

در دولتهای رانتی، دیوان‌سالاری یاد می‌کند و فربه می‌شود و شکلی نامتناسب می‌یابد. این بازرگانی و فربه‌ی بهترین شرایط را برای خون‌آشامی (vampirism) فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، دیوان‌سالاری یک رفتار انگلی می‌یابد.

«بیتز» پیشنهاد می‌کند که برای درک رفتار مکشی یک دیوان‌سالاری باید قواعد بازی سیاسی را در دولتهای رانتی نیز مورد توجه قرار داد. به باور او، دولت رانتیر مانند دراکولا عمل می‌کند که به محض میکیدن خون کسی، او را نیز